

## معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» در قرآن کریم از لحاظ تأیید یا رد دو معنایی بودن آن

مریم ساجدی\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۳ - تاریخ تأیید: ۹۹/۰۲/۰۳

### چکیده

از آنجاکه مقوله ظن یا یقین از مسائل بنیادین فکر و دانش است، توجه به گمان و ستایش یا نکوهش آن در قرآن کریم، راه اندیشه در مبادی معرفتی دانش را می‌گشاید و از مسائل ریشه‌ای است که قرآن به آن پرداخته است. با مرور برخی آیات قرآن ممکن است به نظر برسد، تبعیت از هر ظنی از نظر قرآن ناپسند و مورد نکوهش است و در نتیجه در مواردی که قرآن کریم ظن برخی مؤمنان را ستوده است، این ظن به معنای یقین است. بسیاری متکلمان و مفسران نیز بر این باورند که عقیده باید یقینی باشد و ظن در مسائل اعتقادی معتبر نیست و در نتیجه ظن را در آیات حاوی ظن به مسائل اعتقادی، حمل بر یقین کرده یا به تأویل برده‌اند و واژه ظن را از کلمات اضداد دانسته‌اند که دارای دو معنای ظن و یقین است. این پژوهش با مطالعه معناشناسانه آیاتی که به ستایش یا نکوهش ظن پرداخته است و توجه به قرائن پیرامونی آن و واژگانی که در یک دایره معنایی با کلمه کانونی ظن قرار دارند، این نکوهش یا ستایش و محدوده هرکدام را از منظر قرآن کریم و با بهره‌گیری از متدولوژی معناشناسی بررسی کرده است و نوع



مفهوم‌سازی و جهان‌بینی قرآن در مورد ظن پسندیده و ناپسند را به دست آورده است. بنابراین پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا ظن در قرآن به معنای یقین است و آیا پیروی از ظن از نگاه قرآن همیشه مذموم است؟ این تحقیق نشان می‌دهد، مجموعه کلمات مترادف، هم‌نشین و متضاد ظن، قرینه‌ای بر حمل ظن بر یقین در آیاتی که مفسران بر یقین حمل کرده‌اند، به دست نمی‌دهد و حمل آیات بر معنای غالب ظن یعنی گمان از نظر منطق قرآن مانعی ندارد و بلکه مطابق اصل ظهور و اصالت قرآن و نیز علم و حکمت باری تعالی است.

واژگان کلیدی: قرآن و معناشناسی؛ قرآن و معرفت‌شناسی؛ ظن؛ یقین؛ معنای حقیقی ظن؛

معنای مجازی ظن.

### مقدمه

ذهن انسان دائم در حال پردازش داده‌ها و کسب نتایج است و فعالیت ذهن تقریباً هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. براساس داده‌های موجود در ذهن انسان، در روزدها یا صدها اندیشه در آن سر می‌زند که هر یک از آن‌ها از حیث قطعیت یا عدم آن، درجه‌ای از اعتبار دارد. هر اندیشه انسان از لحاظ ارزشمندی و مطابقت با واقع، درجه‌ای از اعتبار دارد. معرفت یقینی یا اطمینان‌بخش بر معرفت گمان‌آور ترجیح دارد و معرفت گمان‌آور بر معرفت وهم‌آور اولی است. دانش یقینی هرچند بسیار ارزشمند، اما دیریاب است. انسان‌ها در سیر زندگی خود دچار گمان می‌شوند. بنابراین پذیرفته بودن یا نبودن ظن در قرآن، علاوه بر تأثیری که می‌تواند در حالات، روحیات و اخلاقیات انسان داشته باشد، در هرگام اندیشه‌ورزی او نیز دخیل است و به صورت ویژه بر اعتبار عقاید ظنی مؤمنین تأثیر دارد. تفاوت عمده‌ای در فکر و عمل کسی که خود را مقید به عقیده یقینی بداند یا کسی که عقیده ظنی را نیز نجات‌دهنده بداند و گمان‌های شکل‌گرفته در ذهن خود را نیز ارجح نهد، وجود دارد. از این‌رو اندیشه‌ورزی در معناشناسی ظن، در مبادی معرفتی دانش راه‌گشا است و از مسائل بنیادین فکر و دانش و معرفت‌شناسی است.

با مرور برخی آیات قرآن به نظر می‌رسد، تبعیت از هر ظنی ناپسند است؛ زیرا آیات قرآن کریم به صورت مطلق، ظن را نکوهیده است؛ به عنوان نمونه در قرآن کریم آمده است: «ظن و گمان به هیچ وجه انسان را از حقیقت بی‌نیاز نمی‌کند»؛ (یونس، ۳۶) یا «اگر از بیشتر کسانی که در زمین هستند پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند. آنان جز از گمان [خود] پیروی نمی‌کنند و جز به حدس و تخمین نمی‌پردازند.» (الانعام، ۱۱۶)

کفایت عقیده ظنی یا لزوم رسیدن به عقیده یقینی در علم کلام نیز محرکه آرای متکلمان و در نتیجه مفسران بوده است. بسیاری مفسران و متکلمان معتقدند عقیده باید یقینی باشد و ظن در باب اعتقادات معتبر نیست. ایشان برای این سخن دلیل عقلی و نقلی آورده‌اند و به دنبال این عقیده، آیاتی از قرآن که «ظن به روز حساب» و «ملاقات خداوند» را ستوده است، به تأویل می‌برند؛ مثلاً ظن را در این آیات به معنای یقین دانسته‌اند یا در متعلق ظن تصرف کرده یا چیزی در تأویل گرفته‌اند. این مسئله ریشه دیرینه دارد و از مفسران و لغت‌شناسان متقدم نیز بسیاری ظن را در آیات مربوط به قیامت و برخی دیگر آیات، حمل بر یقین کرده‌اند.

قرآن در مسئله ظن باب معرفت را گشوده و واژه‌های ظن، یقین، شک و کلمات مترادف آن را در میدانی از کلمات به هم پیوسته و درهم تنیده به کار برده است. دریافت مقصود قرآن در اعتبار یا عدم اعتبار گمان، منوط به از هم گسستن گره‌هایی است که بین واژگان موجود در دامنه معنایی ظن وجود دارد. توجه به فضای گفتمانی قرآن حول واژه کانونی ظن و قرائن متنی و معناشناختی حول آن، به دریافت مراد قرآن از واژه ظن در آیاتی که «ظن مؤمنین در امور مربوط به قیامت» را می‌ستاید، کمک خواهد کرد. مبادی این تحقیق موارد زیر هستند:

۱- در قرآن اصل بر ظاهر است و نباید دست از ظاهر کشید، مگر جایی که دلیل محکمی بر آن اقامه شود؛ زیرا گوینده آن حکیم است و به خوبی می‌داندسته چه کلمه‌ای را به چه صیغه‌ای و در کجای جمله بیاورد یا چگونه سخن بگوید؛ به بیان دیگر، تعابیر قرآن اصالت دارد و هر تعبیر قرآنی بر پایه مفهوم‌سازی خاصی استوار است. معناشناس باید مفهوم‌سازی نهفته در آیات را کشف کند و از تحلیل و تقلیل دادن یک مفهوم‌سازی به مفهوم‌سازی دیگر اجتناب کند و از تغییر ترتیب کلمات، تبدیل واژه‌ها، و تغییر حروف اضافه بپرهیزد.<sup>۱</sup> این کار خواننده قرآن را دچار گیجی و سردرگمی می‌کند و اشکالات کلامی به دنبال دارد.

۲- ترتیب آیات توقیفی است؛ لازمه این سخن آن است که فضاهای قرآن پیوستگی و اتصال دارند و مفسر یا معناشناس بر این اساس می‌تواند شواهدی از بافت، سیاق یا فضای آیه به دست آورد، مگر جایی که دلیل برخلاف آن قائم شود.

۳- معنای مورد اتفاق «ظن» در لغت، گمان یا احتمال غیر جازم است؛ یعنی احتمالی که قرائن و شواهدی به نفع آن وجود دارد، اما آن قرائن علم‌آور نیست؛ پس تمام مراتب معرفتی قبل از علم یا اطمینان عرفی را شامل می‌شود. معنای دوم «یقین حاصل از تدبر» است که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌هایی که در میدان معناشناختی واژه ظن قرار دارند، برخی مقابل آن هستند، مثل علم و یقین؛ برخی جانشین آن هستند، مثل اخراص، رجاء و شک؛ و برخی همنشین آن هستند، مثل اتباع، ملاقات رب، رجوع به رب، حساب، خشوع، اجتناب و کثیر.

معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۹۷

واژه‌هایی که با ظن در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند، از لحاظ اهداف این تحقیق به دو دسته تقسیم می‌شوند که واژه‌های مربوط به هر دسته، در گفتاری جداگانه بررسی خواهند شد:

۱- واژه‌هایی که مؤید ظن به معنای گمان یا احتمال غیرجازم است؛

۲- واژه‌هایی که مؤید ظن به معنای یقین است.

### ۱- گفتار اول: واژگان مؤید ظن به معنای گمان یا احتمال غیرجازم

در این گفتار صرفاً کلماتی که حول واژه کانونی ظن و در حوزه معنایی آن قرار می‌گیرند و تأیید کننده معنای غالب ظن یعنی گمان یا احتمال غیرجازم هستند، بررسی می‌شود. در میان این کلمات، برخی مقابل ظن - علم و یقین - برخی جانشین یا مترادف - رجاء و شک - و برخی همنشین آن - اتباع - هستند، که در سه بخش آینده بررسی خواهند شد.

#### ۱-۱- واژگان مقابل ظن

واژگانی که قرآن کریم مقابل ظن قرار می‌دهد در تجزیه و تحلیل معنایی ظن سودمند است. این مسئله در میان اهل منطق، در بحث تعریف نیز مشهور است که اشیاء را می‌توان با ضدشان شناخت: «تعرف الاشياء باضدادها». در این بخش سعی بر آن است که با توجه به روش تجزیه و تحلیل معنایی، با تحلیل کلمات متضاد ظن، معنای این واژه به دست آید. دو کلمه اصلی مقابل ظن در قرآن، علم و یقین است که در دو بخش آینده بررسی می‌شود.

#### ۱-۱-۱- علم

علم در لغت به معنای یقینی است که احتمال خلافی در آن نمی‌رود و از راه کسب به دست می‌آید. البته به اعتقاد راجحی که از راه شواهدی به دست آمده نیز علم می‌گویند، یقینی باشد یا ظنی.<sup>۱</sup> «مفردات، علم را به معنای «درک حقیقت شیء» دانسته است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۵۸۰)

مصطفوی اصل واحد در ماده علم را «حضور و احاطه بر شیء» می‌داند که احاطه مراتبی دارد و در هر چیز حسب خودش است. اگر علم همراه با درک خصوصیات باشد، معرفت است

۱. نک: طریحی، ۱۴۱۶ ق: ۶ / ۱۲۱.

و اگر به حد طمأنینه و سکون نفس برسد، یقین است<sup>۱</sup>. قبل از پرداختن به تقابل علم و ظن در قرآن، توجه مختصری به تغییراتی که به واسطه نزول وحی در این واژه ایجاد شد، سودمند است. «علم» قبل از نزول وحی به معنای شناختی بود که از راه آزمایش شخصی یا سنت قبیله‌ای به دست می‌آمد که صحیح و معتبر است. سنت قبیله‌ای در واقع مجموعه وسیعی از همان آزمایش‌ها و تجربیات شخصی بود که به تدریج در اقوام به دست آمده و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده بود. این سنت‌ها در بسیاری مواقع به شکل ضرب‌المثل بین اقوام در طول تاریخ منتقل می‌شد و برای شعرا اهمیت ویژه‌ای داشت<sup>۲</sup>.

در مقابل آن ظن بود که به معنای اندیشه شخصی بدون آزمایش و غیر قابل اعتماد بود. طرّفه، شاعر نامدار جاهلی می‌گوید: به تجربه دریافته‌ام وقتی دوست یا خویشاوند کسی تحقیر شود، خود او نیز خوار شده است: و أعلم علما لیس بالظنّ أنّه إذا ذلّ مولی المرء فهو ذلیل<sup>۳</sup>. وی تأکید می‌کند، این شناخت از روی علم است نه ظن؛ یعنی از یافته‌های شخصی و براساس تجربیات اوست نه گمانی غیر قابل اعتماد<sup>۴</sup>.

کلمه علم<sup>۵</sup> در قرآن کریم جزء کلمات کلیدی قرار گرفت و به معنای معرفتی استوار در مقابل ظن که شناختی بی‌پایه و اساس است، مطرح شد، اما تغییری اساسی در منبع علم یا آنچه موجب صحت و اعتبار آن است، صورت گرفت. در واقع قرآن معنای اساسی علم را تغییر نداد، اما با تغییر چینش مفاهیم و ارائه جهان‌بینی جدید، معنای نسبی آن را تغییری بنیادین داد و سطح گفتمانی جدیدی ایجاد کرد. قرآن کلمه علم را مقارن با وحی الهی قرار داد و آنچه برخاسته از وحی الهی و مبتنی بر حق یعنی راستی و درستی باشد را علم نامید و آن را معتبر و عین حقیقت دانست و همه منابع دیگر که در مقایسه با وحی الهی از حقیقت مطلق بهره‌مند نیستند را غیر قابل اعتماد تلقی کرد. بنابراین در نقطه‌نظر جدید، تجربیات شخصی یا سنت

۱. نک: مصطفوی، ۱۴۰۲ ق: ۲۰۶.

۲. نک: ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۶۹.

۳. نک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ۳۲۳.

۴. نک: ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۶۹.

۵. مراد نمود بشری علم است و نه علم به عنوان یکی از صفات خداوند که بحثی جداگانه دارد.

معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۹۹

قبیله‌ای که از پدران به آنان منتقل می‌شد و سابقاً نزد عرب علم محسوب می‌شد، به درجه ظن تنزل پیدا کرد.<sup>۱</sup>

#### الف- تقابل علم و ظن

تقابل علم و ظن در کاربردهای قرآنی واضح است؛ به‌عنوان مثال، مقایسه دو آیه ۲۰ سوره زخرف<sup>۲</sup> و ۱۴۸ سوره انعام<sup>۳</sup> نشان می‌دهد، «ما لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ»، و «إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ»، در یک بافت معنایی قرار گرفته و هر دو با تعبیر «إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ» دنبال شده‌اند؛ یعنی ترادف ساختاری دارند. بنابراین علم نداشتن در ساختار مشابه قرآنی معادل تبعیت از ظن یا جانسپین آن قرار گرفته است که تقابل علم و ظن از منظر قرآن را نشان می‌دهد.

آیه ۲۴ سوره جاثیه نیز در باب کسانی که سرای آخرت را نفی می‌کنند و دهری هستند می‌فرماید: «آنان به آنچه می‌گویند علم ندارند، بلکه صرفاً ظن دارند.»<sup>۴</sup> این آیه نیز تقابل علم و ظن را آشکار می‌کند.

#### ب- معنای علم در قرآن کریم

پس از بررسی تغییراتی که در واژه علم با نزول وحی ایجاد شد و تقابل میان علم و ظن در قرآن، گام بعدی بررسی معنای علم با توجه به آیات است تا درباره معنای ظن نتیجه‌ای به دست آید.

آیه ۲۰ تا ۲۴ سوره زخرف چگونگی حصول علم برای انسان را نشان می‌دهد. مشرکان فرشته‌ها را دختران خدا می‌دانستند و برای اعتقادات باطل خود استدلال می‌کردند. آنان می‌گفتند، اگر خدا می‌خواست، ما شریکان او را نمی‌پرستیدیم؛ پرستش ما نشانه آن است که خداوند به این پرستش راضی است. خداوند می‌فرماید: «آنان به این [دعوی] دانشی ندارند [و] جز حدس نمی‌زنند.»<sup>۵</sup>

دوم استدلال آنان باطل است؛ زیرا هرچند اراده خداوند به اجبار به ترک عبادت شریکان خود

۱. نک: ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۷۰-۷۱.

۲. «و قَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ.»

۳. «سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ دَاخُوا بِأَسْنَانَا

فُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ.»

۴. «و قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ.»

۵. «و قَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ.»

تعلق نگرفته، اما این امر مستلزم آن نیست که به فعل آن راضی است.<sup>۱</sup> خداوند درباره کلام آنان که دچار این مغالطه شدند می‌گوید، آنان به آنچه می‌گویند علم ندارند و صرفاً از روی گمان و تخمین سخن می‌گویند. این آیه دلیل عقلی شرک و آیه بعد دلیل نقلی بر شرک را نفی می‌کند؛ زیرا در کتب قبلی هم دلیلی بر پرستش ملانکه وجود ندارد که به آن تمسک کنند.<sup>۲</sup> (زخرف، ۲۱) بنابراین علم از نظر قرآن ممکن است از راه استدلال عقلی یا دلیل نقلی به دست آید.

در آیه ۱۴۸ سوره انعام به صورت آشکارتر بیان شده است که علم بر پایه شاهد و دلیلی است که می‌توان آن را بر دیگری آشکار کرد؛ «فتخرجوه لنا» یعنی معرفت مستند به ادله است.<sup>۳</sup> بنابراین اگر انسان در قلب خود به چیزی اطمینان یابد اما دلیل قابل ارائه‌ای بر آن نداشته باشد، خصوصیت علم قرآنی را ندارد.

نتیجه‌ای که از مجموعه این آیات به دست می‌آید آن است که تعبیر علم در قرآن، معرفتی قابل اعتماد و متکی بر ادله نقلی یا عقلی است که بر پایه هوا و تمایلات قلبی نباشد. این تصور با تصور جاهلی از علم که دانش برخاسته از تجربیات شخصی یا سنت قبیله‌ای بود تفاوت عمده‌ای دارد. قرآن با تغییر منشأ علم، از لحاظ معرفت‌شناختی تغییر بزرگی در نگرش مردم ایجاد کرده است.

### ج- مبدا و منتهای علم و ظن

سرچشمه علم از نظر قرآن وحی الهی و حق و سرچشمه ظن تمایل نفس سرکش انسان یعنی هوا است که ممکن است به خطا رود. عبارت «بغیر علم» در آیه ۱۱۹ سوره انعام «بسیاری [از مردم، دیگران را] بدون علم از روی نادانی با هوس‌های خود گمراه می‌کنند»،<sup>۴</sup> تقابل علم و هوا را نشان می‌دهد. پس سرچشمه علم نمی‌تواند هوا باشد.

۱. نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۱۳۶.

۲. «آیا به آنان پیش از آن [قرآن] کتابی داده‌ایم که بدان تمسک می‌جویند؟»

۳. «سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا نَارَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ.»

۴. «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُررْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَانِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ.»



معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۱۰۱

سورهٔ نجم نیز مفهوم ظن را مقابل حق قرار می‌دهد و می‌فرماید ظن بهره‌ای از حق و حقیقت ندارد: «و ایشان را به این [کار] علمی نیست. جز گمان [خود] را پیروی نمی‌کنند، و در واقع، گمان در [وصول به] حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند.»<sup>۱</sup> (النجم، ۲۸)

در همین سوره در مورد کسانی که بر بتان از پیش خود نام می‌گذارند، اما دلیل و سلطانی بر آن ندارند می‌فرماید: «آنان جز از ظن و هوای نفس خود تبعیت نمی‌کنند.»<sup>۲</sup> (النجم، ۲۳) این آیه همنشینی ظن و هوا را به وضوح نشان می‌دهد؛ همچنین معلوم می‌سازد تبعیت از چیزی که دلیل و سلطانی بر آن نیست، تبعیت از هوا است. «در معنای حق آمده است که بعد از حق چیزی جز گمراهی نیست.»<sup>۳</sup> (یونس، ۳۲) این آیات آشکار می‌کند که حق و ضلالت دو مفهوم مقابل هم هستند و اگر کسی حق را رها کند، در دام گمراهی می‌افتد و اگر کسی از ظن تبعیت کند، ممکن است در گمراهی افتد.

از سوی دیگر قرآن فرموده است، پیامبران الهی شریکانی که قومشان بدان معتقد بودند را نمی‌پرستیدند؛ زیرا از جانب پروردگار دلیل روشن بر بطلان این عقیده داشتند. آن چیزی که خداوند می‌گوید حق است و آنچه قوم می‌گویند تبعیت از هوا است و به همین دلیل اگر سخن قوم را می‌پذیرفتند، جزء گمراهان قرار می‌گرفتند.<sup>۴</sup> (الانعام، ۵۶-۵۷) این آیه روشن می‌کند قرآن کریم در بازتعریف مفاهیم علم و ظن، منتهای تبعیت از هوا را ضلالت و منتهای تبعیت از وحی الهی و حق را هدایت معرفی کرده است.

از مجموع این آیات معلوم می‌شود، آنچه از حقیقت یا وحی الهی نشأت می‌گیرد علم است و آنچه از هوا نشأت می‌گیرد ظن است؛ و هوا به معنای جایی است که سلطان و دلیل و بینه‌ای بر آن نیست؛ همچنین تبعیت از علم به هدایت و تبعیت از ظن به ضلالت می‌کشاند. پس آنچه ظن را مذموم می‌کند مبدأ آن یعنی «هوی» است که باعث ضلالت است، اما اگر ظن بر پایه حق

۱. «و ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً.»

۲. «إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى.»

۳. «ذَالِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنْتُمْ تُضِرُّونَ.»

۴. «قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ \* قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَفْضُ الْحَقَّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ.»

یعنی وحی الهی شکل بگیرد، مذموم نخواهد بود. آیاتی که ظن به لقاء رب را می‌ستایند، می‌تواند از این رو باشد که مبدأ آن هوا نیست؛ یعنی بر پایه برهان و سلطان است، بنابراین حق است. این راز آن است که ظن کافران ذم قرآن را به دنبال دارد و ظن مؤمنان مورد ستایش قرآن است.

بنابراین با نظر به اینکه مفهوم مستفاد از قرآن در باب علم، دانشی برخاسته از حق و وحی الهی است که به هدایت انسان می‌انجامد و از راه ادله عقلی و نقلی به دست می‌آید، و همچنین قرآن مفهوم ظن را کاملاً در تقابل و تضاد با علم می‌داند و با اثبات یکی دیگری را نفی می‌کند، واژه ظن نمی‌تواند به معنای علم هم باشد. دانش و معرفتی که از راهی معتبر به دست آید و مورد اطمینان و اعتماد باشد، بنابر مفهوم‌سازی قرآن، علم است و نه ظن، و غایت آن هدایت است و نه ضلالت؛ و دانشی که بر مبنای سست و بی‌پایه‌ای مثل سنت قوم یا اعتقاد آباء و اجداد بنا شده است، ظن است و نه علم. البته ظن ذاتاً مذموم نیست، اگر مبدأ غیر معتبری داشته باشد ناپسند و گرنه می‌تواند پسندیده باشد.

تقابل میان دو مفهوم علم و ظن در مبدأ و منتها، اکراه و غرابت شدیدی برای ورود یکی به عرصه دیگری ولو به صورت مجازی ایجاد می‌کند و دو معنای متضاد داشتن ظن را نفی می‌کند؛ به عبارت دیگر، وضعیت پسینی معنای علم و ظن و رابطه معنایی آن دو نشان می‌دهد ظن نمی‌تواند هم به معنای گمان یا احتمال غیر جازم و هم به معنای یقین یا احتمال جازم باشد، مگر دلیل محکمی بر آن ارائه شود. همچنین با توجه به مبدأ و منتهای علم و ظن، علت مذموم بودن ظن - یعنی اینکه برخاسته از هوا است - آشکار می‌شود و با نبود علت، معلول نیز منتفی است. این مطلب سر آنکه گاه در قرآن ظن مذموم و گاه ممدوح است را روشن می‌سازد.

## ۲-۱-۱- یقین

یقین در لغت به معنای علمی است که به واسطه نظر و استدلال تثبیت شده است و شکی در آن باقی نمانده و نفس به رکون و آرامش رسیده است.<sup>۱</sup> مقام یقین بعد از مقام شک ایجاد می‌شود؛ ابتدا انسان در حیرت و شک است و سپس از راهی برای او رکون نفس و طمأنینه ایجاد می‌شود و به مقام یقین می‌رسد. شاهد بر این مطلب آن است که یقین را مقابل شک قرار می‌دهند،

۱. نک: مصطفوی، ۱۴۰۲ ق: ۱۴ / ۲۶۳.

معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۱۰۳

برخلاف علم که از نظر لغت مقابل جهل است.<sup>۱</sup> از اینجا آشکار است که علم دانشی است که با نظر و استدلال نزد عقل حاصل می‌شود، اما یقین با قانع شدن عقل معلوم نیست به دست آید، بلکه مرتبه‌ای بعد از شک است که نفس آرام می‌گیرد و اطمینان خاطر ایجاد می‌شود. بنابراین حصول علم فرایندی عقلی است و حصول یقین فرایندی قلبی است؛ همچنین یقین قرآن با یقین عقلی و فلسفی متفاوت است.

معنای لغوی یقین ظاهراً با کاربرد این واژه در قرآن مطابقت دارد؛ به‌عنوان نمونه ابتدای سوره رعد آیات تکوینی مثل برافراشتن آسمان‌ها و تسخیر ماه و خورشید را تفصیل می‌دهد تا شاید مردم به فکر وادار شوند و به ملاقات ربشان یقین پیدا کنند.<sup>۲</sup> (الرعد، ۲-۴) مقایسه این سه آیه ترادف ساختاری فقره آخر سه آیه یعنی «لَعَلَّكُمْ يَلْقَاءُ رَبِّكُمْ تَوْفِئُونَ»، «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، و «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» را نشان می‌دهد. تفکر و تعقل در آیات تکوینی متعدد در راستای زدودن شک و رسیدن به یقین به لقاء پروردگار پیشنهاد شده است. این مفهوم با معنای لغوی آن یعنی «رسیدن به ركون نفس با نظر و استدلال بعد از تحیر و شک» سازگار است.

#### الف- تقابل یقین و ظن

آیه ۳۲ سوره جاثیه یقین را در مقابل ظن قرار می‌دهد. کافران که در مقابل آیات خداوند استکبار می‌ورزیدند و روز حساب را نفی می‌کردند به پیامبرشان گفتند، ما نمی‌دانیم ساعت چیست و چیزی بیش از ظن نداریم و به یقین نمی‌رسیم.<sup>۳</sup> (جاثیه، ۳۲) استدلال کافران نشان می‌دهد، ظن را در سوی مقابل یقین می‌دیدند.

از آنجا که یقین خود مسبوق به شک است و ظن در آیه فوق مقابل یقین واقع شده است، پس در مرتبه‌ای که هنوز یقین حاصل نشده و انسان مردد است، هم ظن و هم شک وجود دارد. ظن

۱. نک: مصطفوی، ۱۴۰۲ق: ۱۴/۲۶۲.

۲. «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأُمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ.» (الرعد، ۲) «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُجُومًا ثَمِينًا يَغْشَى الْبَلَّ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.» (الرعد، ۳) «وَ فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرُوعٌ وَ نَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَ غَيْرِ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفَضَّلَ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.» (الرعد، ۴)

۳. «وَ إِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ السَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَظْمُ الْأَنْطَا وَ مَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ.»

و شک ظاهراً از نظر معنایی هم‌پوشانی دارند. از اینجا آشکار می‌شود، ظن و شک در قرآن با ظن و شک مشهور نزد اصولیان و اهل فلسفه و منطق متفاوت است. ظن در قرآن به مرتبه پایین‌تر از علم و یقین اطلاق می‌شود که قرائتی بر مقصود وجود دارد، اما این قرائن به حد اطمینان نرسیده است. همچنین از یک متکلم حکیم بعید است دو واژه ظن و یقین را در جایی از قرآن مقابل هم قرار داده باشد، اما در جای دیگر این مفهوم‌سازی را کاملاً برعکس کند و ظن را به معنای یقین به کار برد، در حالی که کلماتی که افاده معنای مورد نظر او را می‌کند نیز وجود دارد، محدودیت زبانی نیز وجود ندارد و این برهم‌زدن واژگان، مخاطب را دچار سردرگمی می‌کند.

ممکن است گفته شود ظن در این قبیل آیات تعیین‌کننده معنای ظن در آیات دیگر چون «الَّذِينَ يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» نیست؛ زیرا آیه ۳۲ سوره جاثیه در مقام نکوهش کافران است که می‌گویند، «ما تنها به روز جزا ظن داریم و به یقین نرسیده‌ایم.» آنچه در این آیه نکوهش کافران است نمی‌تواند در آیاتی مثل آیه ۴۶ سوره بقره به عنوان ستایش مومنان واقع شود. بنابراین «یظنون» درباره مؤمنان با «یظنون» درباره کفار نمی‌تواند به یک معنا باشد؛ اولی معادل «یوقنون» و دومی معادل «حدس و گمان» است. این مسئله دو پاسخ دارد:

الف- اولاً، متعلق ظن در دو دسته آیات یکسان نیست؛ آنچه مورد ظن و گمان کافران است، اصل تحقق وعده الهی و روز حساب است. (جاثیه، ۳۲) و آنچه مؤمنان راستین بدان ظن دارند، ملاقات خداوند در روز جزاست که یکی از وقایع قیامت است. برخی مؤمنان امکان ملاقات خداوند در روز حساب را زیر سؤال برده و آیه را به تأویل می‌برند؛ برخی اصل آن را می‌پذیرند و در چگونگی آن سخن گفته‌اند. دسته اول می‌گویند، لقاء رب باید به معنای دیدن آثار قدرت خداوند یا پاداش و کیفر الهی باشد. پس ملاقات خداوند مسئله‌ای محل بحث میان مؤمنان است و آیه مورد نظر، کسانی که ظن بدان دارند را ستوده است. آشکار است که، متعلق «ظن» در دو آیه یک چیز نیست که ستایش و نکوهش به یک چیز تعلق گیرد و محال باشد. آنچه کافران بدان ظن دارند، مؤمنان ایمان دارند.

ب- ثانیاً، در فرض آنکه متعلق هر دو یکسان بود، باز لفظ ظن مفهومی مشکک است و مراتبی دارد. گاه ظن به حد رجحان و گمان قوی می‌رسد و گاه در حد شک باقی می‌ماند. ظن کافران به قیامت گمان ضعیفی است که با انکار و استکبار و لجاجت همراه شده است، اما ظن مؤمنان به قیامت گمانی قوی است که منجر به خشوع و امید در آنان شده است؛ شاهد بر این

معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن». ... / ساجدی ۱۰۵

مطلب آنکه کافران در آیه ۳۲ سوره جاثیه گفتند، «إِنْ نُنْظَنُ إِلَّا ظَنًّا» که کم‌ارزش بودن ظنشان را نزد ایشان نشان می‌دهد، اما ظن دسته دوم باعث خشوع آنان در آیه ۴۵ سوره بقره و توکل و صبر ایشان در آیه ۲۴۹ سوره بقره شده است.

ب- نسبت شک، ظن، علم و یقین

آیه ۱۵۷ سوره نساء چهار تعبیر شک، علم، ظن و یقین را با هم جمع کرده است. اهل کتاب آیات الهی را انکار می‌کردند و می‌گفتند: «قلب‌های ما در غلاف است.» خداوند می‌فرماید، بلکه چنین است که ما به خاطر کفر ایشان بر قلب‌هایشان مهر نهادیم. سپس علت این مهر نهادن را در سه آیه متوالی بیان می‌فرماید. علت سوم قول آنان است که می‌گفتند، «ما مسیح را کشتیم، درحالی که خود شک داشتند و علم نداشتند.»<sup>۱</sup> (النساء، ۱۵۷) چند تعبیر در این آیه مترادف هم آمده است: «امر بر آنان مشتبه شد»، «دچار شک بودند»، «علم نداشتند»، «از ظن تبعیت می‌کردند»، «یقین به قتل او نداشتند» یا «من این خبر را به‌طور یقین می‌دهم که او را نکشتند.»<sup>۲</sup> در واقع امر بر آنان مشتبه بود و به قتل مسیح صرفاً گمان داشتند، اما این ظن را یقین جلوه دادند و به دروغ گفتند او مرده است.

شدت صراحت آیه و تکرارهای آن از آن روست که راه هر تأویلی بر یهودیان را ببندد؛ چراکه آنان تا حد ممکن تعابیر را به نفع آنچه می‌خواستند به تأویل می‌بردند؛ مثلاً اگر خداوند صرفاً می‌فرمود، «ما قتلوه»، ممکن بود بگویند او را به طریق عادی نکشتیم، ولی به دار آویختیم؛ پس خداوند فرمود، «وَمَا صَلَّوْهُ». علم نداشتن آنان نیز سه یا چهارگونه بیان شده است.<sup>۳</sup> از این بیان‌های متعدد می‌توان برای معناشناسی ظن، شک، علم و یقین در قرآن استفاده کرد.

۱. «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَّوْهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا\* بل رفعه اليه و كان الله عزيزاً حكيماً.»

۲. عبارت «ما قتلوه يقينا» از متشابهات است و دو تفسیر برای آن ذکر کرده‌اند:

اول، یقین به عدم قتل، که معنای آیه چنین می‌شود: خداوند خبر می‌دهد که اهل کتاب شک داشتند که آیا مسیح را کشته‌اند یا نه و سپس حضرت محمد (ص) به‌صورت یقینی خبر می‌دهد که او را نکشته‌اند.

دوم، یقین به عدم فعل، که معنای آیه چنین می‌شود: آنان یقین نداشتند که آیا مسیح را کشته‌اند یا خیر، یا شک داشتند آیا کسی که کشته‌اند مسیح است یا خیر.

برخی احتمال اول را به قرینه «بل رفعه الله اليه» ترجیح داده‌اند. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۶۲)

۳. نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ۵/۲۱۶.

عطف این چهار تعبیر معلوم می‌کند که از نظر قرآن، شک هم‌تراز ظن و هر دو مخالف علم و یقین هستند؛ به عبارت دیگر، وقتی انسان ادله و اماراتی برای مقصود خود دارد اما به حد علم نرسیده است، باز در نفس خود نسبت به طرف مقابل شک و تردید دارد؛ یعنی شک در ضمن ظن وجود دارد و قرآن این دو را به جای یکدیگر استفاده می‌کند. پس ظن و شک در تعبیر قرآنی جانشین هم هستند و تفاوتی که امروزه میان آن دو مشهور است،<sup>۱</sup> در قرآن دیده نمی‌شود. باید دقت داشت قرآن در بافت و جهان‌بینی مخصوص به خود فهمیده شود.

## ۲-۱- واژگان مترادف یا جانشین ظن

رابطه جانشینی - یا مترادف - هنگامی است که واژه «الف» جانشین واژه «ب» در بافتی یکسان می‌شود، هرچند دامنه استعمال آن دو یکسان نباشد. مطالعه کلمات جانشین ظن نیز به کشف زوایای معنایی آن کمک خواهد کرد. دو کلمه رجاء و شک واژه‌های جانشین ظن هستند که می‌توان از آن‌ها برای تأیید معنای غالب ظن یعنی گمان یا احتمال راجح سود برد. بررسی معناساختی آن‌ها در دو بخش آتی می‌آید.

### ۱-۲-۱- رجاء

در آیات بسیاری از قرآن سخن از رجاء به لقای خداوند به میان آمده است. این تعبیر وصف مؤمنان و مورد ستایش است. در سوی مقابل جایگاه کسانی را که رجاء به لقای خداوند ندارند، آتش دانسته شده است.<sup>۲</sup> (یونس، ۷-۸)

سیاق این آیات شباهت زیادی به آیاتی از قبیل آیه ۴۶ سوره بقره دارد که کسانی که ظن به ملاقات خداوند دارند را می‌ستاید. دو تعبیر «یظنون انهم ملاقوا ربهم» و «یرجوا لقاء ربه» هر دو در سیاق مدح واقع شده و مشابهت مفهومی دارند. از مقایسه دو آیه مترادف ساختاری این دو تعبیر و مترادف یا جانشینی «رجاء» و «ظن» استفاده می‌شود.

۱. امروز اصولیان شک را وقتی می‌دانند که دو طرف احتمال یکسان داشته باشد، و ظن وقتی است که یک طرح راجح باشد.

۲. «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ \* اولئك مأوئهم النار بما كانوا يكسبون.»

#### الف- رجاء در لغت

رجاء را در کتب لغت امید و آرزو داشتن و خواستن چیزی معنا کرده‌اند. رجاء ضد یأس است.<sup>۱</sup> برخی گفته‌اند به معنای ترس نیز به کار می‌رود؛ زیرا شخص امیدوار می‌ترسد به آنچه می‌خواهد نرسد. برخی معنای خوف را فقط در حالتی که جمله منفی باشد درست می‌دانند<sup>۲</sup> این آیه را شاهد بر معنای خوف ذکر کرده‌اند: «ما لکم لا ترجون لله وقارا» (نوح، ۱۳) راغب اصفهانی علت حمل «ترجون» در آیه بر خوف توسط برخی اهل لغت را ملازم بودن خوف و رجاء دانسته است و ظاهراً آن را قولی ضعیف می‌داند.<sup>۳</sup>

مصطفوی اصل واحد در ماده رجاء را «توقع امر خیری که احتمال به دست آوردن آن وجود دارد و میل داشتن به آن» دانسته است. او گفته است، رجاء بین طمع-آنچه حصول آن نزدیک است- و ام-آنچه حصول آن بعید است- بوده و حتماً همراه با شک است؛ خوف نیز به معنای توقع ضرر مشکوک و گمان وقوع آن است.<sup>۴</sup> راغب اصفهانی رجاء را به معنای ظنی که مایه مسرت و خوشحالی است می‌داند.<sup>۵، ۶</sup>

#### ب- عناصر معنایی رجاء از نظر اهل لغت

صرف نظر از اینکه رجاء را به معنای خوف هم بگیریم یا خیر، در قدر مشترک معنایی رجاء در کلام اهل لغت چند عنصر نهفته است:

۱- توقع چیزی؛

۲- وجود احتمال آنچه توقعش می‌رود؛

۳- میل به آنچه توقعش می‌رود و انتظار آن.

بنابراین در کلمه رجاء، احتمال تحقق آنچه به آن امید می‌رود خوابیده است؛ بلکه آن‌طور که مصطفوی گفته است، این احتمال نه بسیار شدید-در حد طمع- و نه بسیار ضعیف-در حد

۱. نک: فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۶ / ۱۷۶.

۲. نک: ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۴ / ۳۰۹.

۳. نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۴۶.

۴. نک: مصطفوی، ۱۴۰۲ ق: ۴ / ۷۷.

۵. نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۴۶.

۶. «الرجاء ظن یقتضی حصول ما فیہ مسرة.»

أمل - است، پس احتمالی معقول است؛ به تعبیر دیگر، گمان حصول آنچه محل امید و آرزوست وجود دارد. راغب اصفهانی نیز «ظن» را در معنای رجاء ذکر کرده است. پس در آیات فوق گمان به لقای خداوند به صورت ضمنی مورد ستایش است.

تحلیل مفهوم امید نیز همراهی آن با گمان را آشکار می‌سازد. امید به چیزی هنگامی شکل می‌گیرد که شخص احتمال وقوع آن را بدهد. کسی که امید به چیزی دارد، امکان ندارد احتمال دهد آن چیز هرگز محقق نخواهد شد. امر او از دو حال خارج نیست:

۱- یا احتمال می‌دهد واقع شود؛

۲- یا مطمئن است که واقع می‌شود.

پس شخص امیدوار حداقل گمان به تحقق امر دارد. خوف و رجاء در قرآن کلمات هم‌نشین هستند، با هم نفی و یا اثبات می‌شوند، اما اینکه خوف در لفظ رجاء ملحوظ باشد و رجاء به‌تنهایی هر دو را برساند، معلوم نیست دلیلی داشته باشد. هم‌نشینی خوف و رجاء، هم در سیاق نفی و هم در سیاق اثبات، به ترتیب در آیه ۱۵ سوره یونس<sup>۱</sup> و آیه ۵۷ سوره اسراء<sup>۲</sup> دیده می‌شود. در آیه اول در مقابل کسانی که امید لقاء ندارند، سخن نبی اکرم (ص) آمده است که ایشان هم از عذاب قیامت می‌ترسد. این بیان ضمناً می‌رساند، کسانی که امید لقا ندارند، این ترس را هم ندارند. از طرفی در آیه دوم، رجاء رحمت و خوف از عذاب با هم برای عده‌ای اثبات شده است. این دو آیه نشان می‌دهد، خوف و رجاء در بافت معنایی نفی و اثبات همراه هم‌دیگر هستند.

### ج- کاربرد قرآنی رجاء

تأمل در سایر کاربردهای رجاء در قرآن نکاتی سودمند به همراه دارد.

در آیه ۵ سوره عنکبوت، خداوند به کسانی که امید به لقای او دارند، اطمینان داده است که وعده الهی محقق خواهد شد.<sup>۳</sup> (العنکبوت، ۵) این بدان معناست که آنان علم یا یقین به آمدن وعده الهی ندارند؛ زیرا تأکید لفظی برای کسی که یقین دارد

۱. «وَ إِذَا تَلَّی عَلَیْهِمْ آیَاتُنَا بَیِّنَاتٍ قَالَ الَّذِیْنَ لَا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا اِنَّتِ بِقُرْآنِ غَیْرِ هَذَا اَوْ بَدَّلُوْهُ لَمَّا کَانَ مِنْ تَلْفَاةٍ نَفْسِیْ اِنْ اَتَّبِعْ اِلَّا مَا یُوْحٰی اِلَیَّ اِنِّیْ اَخَافُ اِنْ عَصِیْتُ رَبِّیْ عَذَابٌ عَظِیْمٌ.»

۲. «اُولٰٓئِکَ الَّذِیْنَ یَدْعُوْنَ یَسْتَعُوْنَ اِلَی رَبِّهِمْ اَلْوَسٰیلَةَ اِلَیْهِمْ اَقْرَبُ وَ یَرْجُوْنَ رَحْمَتَهُ وَ یَخَافُوْنَ عَذَابَهُ اِنَّ عَذَابَ رَبِّکَ کَانَ مَحْذُوْرًا.»

۳. «مَنْ کَانَ یَرْجُو لِقَاءَ اللّٰهِ فَاِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ.»



معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۱۰۹

بیهوده خواهد بود. پس در معنای رجاء، عدم یقین یا گمان نهفته است و بین رجاء و گمان ملازمت وجود دارد.

در ضمن آیاتی که رجاء به آخرت را مطرح می‌کنند، آیه‌ای دیده می‌شود که مؤید پسندیده بودن گمان به آخرت از نظر قرآن است. در این آیه حضرت شعیب (ع) در مقام دعوت قوم خود به آنان می‌گوید: «خداوند را بپرستید و به آخرت امید - نه یقین - داشته باشید.»<sup>۱</sup> (العنکبوت: ۳۶) آنچه انبیا قوم خود را به آن خوانده‌اند، نمی‌تواند اشکال عقلی یا کلامی داشته باشد؛ زیرا علمای امامیه اتفاق دارند که دامن انبیا از هر گناه و اشتباه به خصوص در مقام دعوت و تبلیغ دین الهی مصون است. نتیجه‌ای که از این آیه برمی‌آید آن است که گمان به آخرت از نظر قرآن پسندیده است و با توجه به آیه ۲۱ سوره فرقان، امید و گمان به لقاء نداشتن مورد نکوهش است و نوعی تکبر و سرکشی معرفی شده است. پس «ایمان» ضرورتاً مستلزم «یقین» نیست و با گمان نیز قابل جمع است، هرچند ممکن است مراحل ابتدایی ایمان دانسته شود و شخص باید بکوشد به یقین برسد.

این مطلب نفی‌کننده پیش‌فرض کلامی است که باعث شده اکثر مفسران تمایل به تفسیر ظن به یقین در برخی آیات پیدا کنند. همچنین رجاء و «گمان به ملاقات خداوند» که به تصریح قرآن مورد ستایش است، نمی‌تواند آن‌طور که برخی مفسران گفته‌اند، مستلزم کفر باشد یا اشکال عقیدتی، عقلی یا نقلی داشته باشد. بنابراین ضرورتی بر انصراف آیه از معنای حقیقی و حمل بر معنای مجازی وجود ندارد.

## ۲-۲-۱- شک

کلمه شک تنها یک بار در آیه ۱۵۷ سوره نساء جانشین ظن شده است.<sup>۲</sup>

در این آیه دو، تعبیر «لَفِي شَكِّ مِنْهُ» و «إِلَّا اتَّبَعَ الظَّنُّ» نقش معنایی مشابهی دارند که بحث آن ذیل عنوان یقین (۱-۲) گذشت. جانشینی ظن و شک تأیید کننده معنای اصلی ظن یعنی گمان و حسابان است؛ به عبارت دیگر، وجود واژگانی مثل شک در حوزه معنایی ظن، مراد قرآن از این کلمه را وضوح و شفافیت بیشتری می‌بخشد.

۱. «وَ إِلَىٰ مَدِينَةٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ ارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.»

۲. «إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكِّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتَّبَاعُ الظَّنِّ...»

### الف- شک در لغت

«شک» در لغت به معنای نقیض «یقین» و نبود قاطعیت<sup>۱</sup> و همچنین مردد بودن بین دو چیز<sup>۲</sup> دانسته شده است. مقابل یقین می‌تواند دو حالت داشته باشد: اول اینکه، دو طرف احتمال مساوی باشند؛ دوم اینکه، یک طرف ترجیح داشته باشد.<sup>۳</sup> هنگامی که امر بر انسان مشتبه شود، می‌گویند شک کرده است.<sup>۴</sup>

برخی «شک» را اعتدال و تساوی دو نقیض نزد انسان دانسته‌اند که دو حال دارد: یا اماره بر هر دو طرف نقیض به صورت یکسان وجود دارد، یا هیچ طرف اماره‌ای ندارد.<sup>۵</sup> به نظر می‌رسد، شک تعریفی عرفی دارد و لزومی ندارد دو طرف آن احتمال مساوی داشته باشند و بین هیچ طرف ترجیحی نباشد.<sup>۶</sup> اصطلاحات علوم عقلی - مثل علم اصول فقه - در تعریف وهم، شک، ظن و یقین بعداً در علوم اسلامی به وجود آمده و به لغت راه پیدا کرده است. این مطلب منافاتی ندارد با اینکه این دو لفظ تفاوت ظریفی در معنا به خاطر تفاوت ریشه داشته باشند؛ مثلاً در معنای واژه «شک» جنبه تردید و اضطراب نفس قوی‌تر باشد.

### ب- کاربرد قرآنی شک

معنای لغوی شک با کاربرد قرآنی آن سازگار است و ظاهراً شک و ظن همان‌طور که در لغت - بر اساس تعریف اکثر اهل لغت - معنای نزدیکی دارند، در قرآن نیز در معنایی هم‌عرض به کار رفته‌اند؛ مثال آن آیه ۱۵۷ سوره نساء است که توضیحات آن گذشت. تأملی معناساختی در دیگر کاربردهای شک در قرآن نکات سودمندی به دنبال دارد. در سوره سبأ آمده است، کسانی که به آخرت شک و تردید داشتند، از وسوسه‌های ابلیس تبعیت کردند.<sup>۷</sup> (السبأ، ۲۱) از این آیه معلوم می‌شود، از خصوصیات شک آن است که در گفتار یا عمل اغلب مردم - به جز گروه اندکی

۱. نک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۰/۴۵۱ و طریحی، ۱۴۱۶ ق: ۵/۲۷۷.

۲. نک: فیومی، بی‌تا: ۲/۳۲۰.

۳. نک: طریحی، ۱۴۱۶ ق: ۵/۲۷۶.

۴. نک: مصطفوی، ۱۴۰۲ ق: ۶/۱۰۴.

۵. نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۶۱.

۶. نک: مصطفوی، ۱۴۰۲ ق: ۶/۱۰۵.

۷. «وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِلْيَيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيْقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ\* وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِيَعْلَمَ مَن يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيْظٌ.»

معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۱۱۱

از مؤمنان- تأثیر می‌گذارد، برخلاف مؤمنین که شک خود را در میدان گفتار و عمل دخالت نمی‌دهند؛ نمونه دیگر، کسانی هستند که به خاطر شک در آنچه خدا فرو فرستاده است، آیات خدا را تکذیب می‌کنند.<sup>۱</sup> (یونس، ۹۵) نکته دیگری که از این آیات معلوم می‌شود آن است که شک می‌تواند قبل از فحوص و جستجو باشد، مانند آیه بالا؛ یا بعد آن، همچون آیه ۳۴ سوره غافر که مردم بعد از دیدن دلایل آشکار باز در شک باقی ماندند.<sup>۲</sup> (الغافر، ۳۴ و ابراهیم، ۹)

این دو آیه تفاوت شک به اصطلاح متأخر و شک در قرآن را شفاف‌تر می‌سازد. بعد از دیدن ادله و براهین آشکار انبیاء، بعید است ذهن مردم نسبت به هر دو طرف مسئله کاملاً علی السویه باشد بلکه طبیعتاً گمان به سخن انبیاء در ذهن آن‌ها شکل می‌گیرد. همین گمان را قرآن باز شک نامیده است. پس شک شامل کلیه مراتب دانش تا قبل از رسیدن به علم و یقین می‌شود که مترادف آن با ظن را نشان می‌دهد. اما از سوی دیگر شک همواره در کاربردهای قرآنی جنبه منفی دارد و برای تردید در امری حق به کار رفته است؛ برخلاف ظن که از نظر قرآن برخی مورد ستایش و برخی مورد نکوهش است. ریشه این تفاوت می‌تواند این باشد که شک در کاربردهای قرآنی گمانی است که در گفتار و عمل مردم تأثیر می‌گذارد و منجر به کفر و تکذیب می‌شود.

### ۳-۱- واژگان همنشین ظن

بررسی واژه‌های هم‌نشین ظن نیز به شناخت زوایای معنایی ظن کمک می‌کند. یکی از واژگانی که در میدان معنایی ظن آمده و مؤید ظن به معنای گمان یا احتمال است، واژه اتباع است. برخی آیات قرآن اصل ظن و گمان را نکوهیده است؛ (البقره: ۷۸؛ یونس: ۶۰ و فصلت: ۲۳) اما مطالعه مجموعه آیاتی که در مورد ظن و گمان سخن می‌گوید نشان می‌دهد، دسته‌ای از آیات قید اضافه‌ای آورده که آنچه مذموم است را محدودتر می‌کند. در واقع وجود «اتباع» در حوزه معنایی ظن نشان می‌دهد، تبعیت و پیروی از ظن مورد نکوهش است نه خود آن.<sup>۳</sup> (الانعام: ۱۱۶) باید توجه داشت، پیروی هر عضوی حسب خود آن تعریف می‌شود. پیروی ذهن در پذیرش ظن

۱. «فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ\* وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ.»

۲. «وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ بَالْبَيْنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ نَبْعَثَ اللَّهَ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ.»

۳. «وَ إِنْ تُطْعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ بِيضُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ.»

باطل و اعتقاد یافتن به آن است؛ پیروی زبان در سخن راندن براساس ظن باطل است؛ و پیروی جوارح در عمل براساس آن است.

این معنا موافق عقل است؛ زیرا به وجود آمدن گمان در ذهن امری ارادی نیست که مورد امر و نهی واقع شود. با واقع شدن در شرایطی خاص و دیدن امارات و شواهد حول آن، ممکن است گمانی برای انسان شکل گیرد که غیرارادی است و نمی‌تواند مذموم باشد. مهم آن است که انسان براساس گمانی که برای او شکل گرفته رفتار کند یا آن را نادیده بگیرد.

علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید: نهی از ظن صحیح نیست؛ زیرا ظن نوعی ادراک نفسانی است که به صورت غیرارادی برای انسان شکل می‌گیرد. بنابراین مراد از اجتناب از ظن، اجتناب از پاره‌ای مقدمات اختیاری آن و ترتیب اثر دادن براساس آن است.<sup>۱</sup>

بنابراین حکم قرآن در ناپسندی ظن به ماهیت آن تعلق نگرفته، بلکه به پیروی از آن تعلق گرفته است. وضع تبعیت از ظن بسته به اینکه متعلق ظن چه چیز باشد تعیین می‌شود؛ اگر ظن براساس افکار جاهلیت که از پدران به ارث رسیده است شکل گرفته باشد، تبعیت از آن ناپسند است و اگر براساس وحی و حق شکل گرفته باشد، تبعیت از آن پسندیده است.<sup>۲</sup>

## ۲- گفتار دوم: واژگان مؤید ظن به معنای یقین

برخی از واژه‌هایی که در حوزه معنایی ظن وجود دارند، می‌توانند تأییدکننده معنای یقین برای ظن باشند. این واژه‌ها را در دو دسته "کلمات مترادف یا جانشین ظن" و "کلمات هم‌نشین ظن" بررسی می‌کنیم.

### ۲-۱- کلمات جانشین ظن

در قرآن کریم «تبعیت از ظن» در چهار آیه با واژه «اخراص» همراه شده است و در بافتی واقع شده که ترادف دو کلمه را می‌رساند.<sup>۳</sup> کلمه «یخرصون» یا «تخرصون» جز در این بافت واقع

۱. نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۴۸۳.

۲. تفصیل این بحث در بخش ۱-۱ گذشت.

۳. به عنوان نمونه: «سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَمَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا نَارَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تُخْرِصُونَ» (الانعام، ۱۴۸)

معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۱۱۳

نشده است؛ یعنی هرگاه سخن از اخراص به میان آمده است، قبل از آن تبعیت از ظن یا علم نداشتن مطرح بوده است.

اخراص را دو گونه معنا کرده‌اند:

۱- «دروغ»؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۷/۲۱ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۷۹)

راغب اصفهانی می‌گوید، از آن رو - در آیه ۱۰ سوره ذاریات - «یخرصون» را به معنای «یکذبون» گرفته‌اند که سخن از روی تخمین و گمان، نوعی دروغ است، حتی اگر خبرش عین واقع درآید. بنابراین ظاهراً بازگشت این معنا به معنای دوم است، زیرا دروغ لازمه حدس است.

۲- «حدس و تخمین زدن: هر سخنی که از روی تخمین و گمان گفته شود، «خرص» است، چه مطابق واقع درآید و چه مخالف آن»؛ (طریحی، ۱۴۱۶ ق: ۴/۱۶۷) و اصل خرص عمل براساس ظن و گمان است، وقتی بر پایه محکم و اصل متقنی نباشد. بنا بر معنای دوم دو عبارت «ان یتبعون الا الظن» و «ان هم الا یخرصون» معنای نزدیک به هم دارند و شاید دو تعبیر برای یک معنا باشند.

واژه‌های با ریشه خرص در قرآن پنج بار تکرار شده است. چهار مورد مذمت تخمین در مورد کسانی است که انحرافی عقیدتی دارند از قبیل شریک قائل بودن برای خداوند، (یونس: ۶۶) اجبار در اعتقاد به شرک (انعام: ۱۴۸ و زخرف: ۲۰) و شک در روز حساب. (ذاریات: ۱۰) مورد پنجم آیه ۱۱۶ سوره انعام است که تبعیت از اکثر کسانی که در زمین هستند را نکوهش کرده است، چون اهل حدس و تخمین هستند. ممکن است به نظر آید این آیه تخمین را به طور کلی مذمت کرده است، اما تأمل در آیه بعد<sup>۲</sup> و مناسبت حکم و موضوع نشان می‌دهد، هر ظن و تخمینی مراد نیست، بلکه تبعیت از سخنانی که منجر به انحراف از «سبیل الله» می‌شود، مراد است. بنابراین آیه تبعیت از گفته‌های تخمینی مردم که مرتبط با معارف الهی است و اشتباه در آن‌ها سبب هلاکت ابدی و ضلالت است را مذمت می‌کند، نه تمام گفته‌های تخمینی را. اهمیت

۱. نک: مطفوی، ۱۴۰۲ ق: ۳/۳۹.

۲. «وَإِنْ تُطْعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ بِضُلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ \* إِنْ رَبُّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (انعام، ۱۱۶-۱۱۷)

این مسئله از آن روست که زندگی انسان با تخمین و حدس گره خورده است و حتی بسیاری علوم تجربی بر پایه تخمین پیش می‌روند و اصلاً زندگی بدون تخمین و گمان ممکن نیست.<sup>۱</sup> ممکن است گفته شود، از آنجاکه عقاید دینی - مثل ملاقات رب و رجوع به رب یا روز قیامت که ظن به آن‌ها در قرآن محل کلام است - از امور سرنوشت‌ساز و پراهمیت هستند که گمراهی در آن‌ها سبب خسران ابدی است، تخمین یا ظن در این امور مذموم است، بلکه تمام موارد مذمت اخراص در قرآن به تخمین در معارف الهی و دینی برمی‌گردد. بنابراین مواردی که در قرآن ظن به لقا یا رجوع به رب ستایش شده است، باید مراد یقین بدان‌ها باشد.

در پاسخ می‌توان گفت، وجه ناپسندی اخراص در قرآن آشکار بیان شده که در امان نبودن از گمراهی و انحراف در عقیده است. از دانش اصول می‌دانیم «حکم دایر بر مدار علت است» و مادام که علت منتفی است، حکم نیز منتفی خواهد بود.

با توجه به همنشینی «اخراص» و «ظن» در قرآن کریم و همچنین موارد نکوهش تبعیت از ظن، در مورد ناپسندی ظن در عقیده بین دو حالت باید تفکیک قائل شد:

الف- هنگامی که براساس داده‌های موجود در ذهن یا سنت‌های جامعه - در گفتمان قرآنی «هوا» است - گمان یا تخمین در عقیده برای انسان شکل می‌گیرد، مثل وقتی که تفکری از آبا و اجداد به ما رسیده است؛

ب- هنگامی که براساس وحی، گمان عقیدتی برای انسان شکل می‌گیرد، مثل آنکه خداوند فرموده است، «روز حساب و کتاب خواهد آمد»، و در انسان گمان به آن به وجود آید.

عقیده در حالت اول از گمراهی در امان نیست و ممکن است به مسیری ناحق بینجامد و انسان را دچار سرگردانی کند، اما در حالت دوم امکان ضلالت وجود ندارد؛ زیرا ظن بر پایه حق شکل گرفته است. این نوع گمان باعث رستگاری است، می‌تواند انسان را در مسیر «سَبِيلِ اللَّهِ» قرار دهد و اگر مستمر و همراه با عمل باشد، انسان را به مراحل بالای معرفتی و یقین می‌رساند. پس این نوع گمان، که سبب ذم در آن منتفی است، مورد مذمت قرآن نیست.

معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۱۱۵

بنابراین هرچند به نظر می‌رسید اخصاص تأییدکننده معنای «یقین» برای ظن در آیات مربوط به «گمان مؤمنان در امور مربوط به قیامت»<sup>۱</sup> باشد، اما این تحقیق نشان داد نکوهش مطلق حدس از منظر قرآن ثابت نمی‌شود. سیاق آیات شامل اخصاص و ظن، جهان‌بینی واحدی را از قرآن ارائه می‌دهند و با هم هم‌خوانی دارند. هر دو گمان یا حدس مبتنی بر منبعی غیر قابل اعتماد - مثل هوا - را غیرمعتبر و حدس یا گمان بر پایه حق - مثل وحی - را معتبر می‌دانند.

## ۲-۲- واژگان همنشین ظن

در میان واژگان همنشین ظن، برخی ممکن است تأیید کننده معنای یقین برای ظن در برخی آیات باشند:

### ۲-۲-۱- ملاقات رب، رجوع به رب، حساب

«ملاقات رب»، «رجوع به رب» و «حساب»<sup>۲</sup> از کلمات همنشینی هستند که قرآن ظن به آن‌ها را ستوده است؛<sup>۳</sup> (بقره، ۴۶ و حاقه، ۲۰) و سبب شده عده‌ای از مفسران به‌خاطر اعتقادشان به لزوم اعتقاد قطعی به آن‌ها، ظن را به معنای یقین بدانند.

برخی مفسران گفته‌اند، «ملاقات رب» و «رجوع به رب» هر دو کنایه از روز قیامت هستند؛ اعتقاد ظنی به قیامت مستلزم کفر است، پس نمی‌تواند اعتقاد ظنی به آن‌ها در قرآن مدح شده باشد. همچنین گفته‌اند، اگر ظن به معنای گمان باشد، آیاتی مثل آیه بیستم سوره حاقه ترغیب به اعتقاد ظنی کرده است و صاحبان اعتقاد ظنی به ملاقات خداوند را ستوده است؛ و از سوی دیگر برانگیختن به عقیده ظنی جایز نیست. مفسران برای اجتناب از اشکالاتی که به نظر ایشان عقیده ظنی به دنبال دارد، در معنای «رجوع به رب» و «ملاقات رب» تصرف کرده و آن‌ها را به تأویل برده‌اند.

اجمال پاسخ نسبت به مطلب اول آن است که، اگر «ملاقات رب» و «رجوع به رب» در

۱. مثل آیاتی که گمان به لقای خداوند یا گمان به روز حساب را می‌ستاید. (بقره: ۴۵ و ۲۴۹ و حاقه: ۱۹-۲۱)

۲. مراد حساب شخص در روز جزاست.

۳. «الَّذِينَ يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۴۶) «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ \* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ» (حاقه، ۲۰-۲۱)

معنای اصلی خود نگاه داشته شوند و کنایه از «قیامت» دانسته نشوند، نیازی به تصرف در معنای ظن نیز نخواهد بود.<sup>۱</sup> «ملاقات رب» یکی از اتفاقات قیامت است و «رجوع به رب» بازگشت به سوی خدا و اتحاد با باری تعالی است که با اصل تحقق قیامت یکسان نیست؛ پس اعتقاد ظنی به آن‌ها مستلزم کفر نیست.

اگر آیه تصریح به «اعتقاد به روز جزا» هم کرده بود، باز باید گفت، آنچه کفر است، «ایمان» نداشتن به روز جزاست نه «قطع» نداشتن به آن. قطع و یقین به روز جزا مرتبه بالایی از اعتقاد است که با پیمودن مراحل سلوکی و شاید برای برخی با مرگ حاصل شود. بنابراین قرآن ظن و گمان به ملاقات خداوند و رجوع به خداوند و روز حساب را ستوده است، هرچند رسیدن به مقام یقین را هم بایسته بداند.

در مورد مطلب دوم نیز دلیلی بر عدم جواز برانگیختن به اعتقادی ظنی ارائه نشده است. این ادعا خود نیازمند اثبات است، به خصوص که ظن به قیامت نیز منشأ اثرات بسیار است و برای ترغیب انسان به عمل و احتیاط عقلی کافی است.

بنابراین همنشینی این سه واژه با ظن، مشکلی اعتقادی یا عقلی ایجاد نمی‌کند و تأویل معنای ظن، ملاقات، رجوع یا حساب لزومی ندارد و خلاف اصل است. همه این واژه‌ها در فضای گفتمانی قرآن براساس معنای ظاهری خود معنادار و با جهان‌بینی قرآن سازگارند.

## ۲-۲-۲- خشوع

واژه خشوع از کلمات همنشین ظن است. آیه ۴۶ سوره بقره در توصیف «خاشعین» است.<sup>۲</sup> به گفته مفسران، آنچه سبب ایجاد خشوع در انسان و احساس مسئولیت در برابر خداوند می‌شود، ایمان به لقاء الله و بازگشت به سوی اوست، نه ظن به آن دو؛ پس ظن در آیه ۴۶ سوره بقره به معنای یقین است.

۱. تفصیل این مطلب در مقاله «کاربرد ظن در قرآن کریم»، توسط نگارنده همین مقاله، آمده است.

۲. «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ \* الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۴۵-۴۶)



معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۱۱۷

پاسخ این قول به صورت خلاصه آن است که:

اولاً: آیه در مقام معرفی خاشعان است، نه ضرورتاً بیان سبب خشوع ایشان؛

ثانیاً: اگر آیه در مقام بیان سبب خشوع بود، باز می‌توان گفت، ظن به لقاء الله نیز سبب خشوع می‌شود، هرچند یقین سبب قوی‌تری است.

به علاوه «ظن به لقاء» می‌تواند همراه با ایمان به آن باشد. ممکن است شخص از لحاظ عقلی بیش از گمان پیدا نکند، اما قلباً کاملاً تسلیم باشد و ایمان بیاورد و براساس ایمان خود، عمل کند؛ هرچند اگر شخص عقلاً یقین کند، ایمان قلبی او مستحکم‌تر خواهد بود. بیان دیگر این مطلب، مستفاد از تفسیر علامه طباطبایی ذیل آیه، آن است که، از آنجاکه محتمل - یعنی وقوع قیامت کبرا و روز عرضه اعمال بر خداوند - قوی است، ظن به آن نیز برای ترتیب اثر عملی کافی است و شخص عاقل منتظر حصول علم نمی‌ماند.<sup>۲</sup>

یک گام بالاتر نیز می‌توان برداشت و گفت، ظن در این آیه بلیغ‌تر نیز هست؛ زیرا ظن به ملاقات پروردگار نیز سبب خشوع است، چه رسد به یقین به آن.<sup>۳</sup>

نتیجه آنکه هرچند از نظر برخی مفسران واژه خشوع تأییدکننده معنای یقین برای ظن است، اما بدون نیاز به تأویل این لفظ یا سایر الفاظ پیرامونی آن، ظن به قیامت نیز خشیت‌آفرین است و دلیلی برای انصراف لفظ از معنای حقیقی نیست.

### ۳-۲-۲- عدم غنای از حق

برخی آیات قرآن به‌طور کلی ظن و گمان را مذمت کرده و بیان داشته، گمان به هیچ وجه انسان را از حقیقت بی‌نیاز نمی‌کند.<sup>۴</sup> (یونس، ۳۶) نکوهش ظن در این آیه سبب شده است، برخی مفسران هر ظنی را در اصول اعتقادی غیرمعتبر بدانند و گمان در اصول اعتقادی را سبب نفی ایمان بدانند،<sup>۵</sup>

۱. تفصیل آن در مقاله «کاربرد ظن در قرآن کریم»، توسط نگارنده همین مقاله آمده است.

۲. نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۲۳۰.

۳. نک: طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۴۶.

۴. «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ.»

۵. نک: فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ق: ۱۷/۲۵۲.

و چون قطع به امور مربوط به قیامت لازم است، ظن را در آیات مربوط به آن باید حمل بر یقین کرد.

برخی مفسران ظن در این آیه را به فرینه سیاق مطلق گمان ندانسته‌اند و به گمان در معرفت الهی تفسیر کرده‌اند و معنای آیه این می‌شود که در معرفت الهی گمان نورزید.<sup>۱</sup> آیات پیشین در رد شرک براهینی بیان می‌کند.<sup>۲</sup> سپس آیه ۲۶ درباره کسانی است که به براهین قرآن توجهی نمی‌کنند و از دین آبا و اجداد خود تبعیت می‌کنند و برای خدا شریک قرار می‌دهند. اینان از ظنی که برخاسته از هوا پیروی می‌کنند و به براهین الهی و پیامبران که حق است، پشت می‌کنند.

بنابراین از همنشینی «ظن» و «عدم غنای از حق» نمی‌توان نتیجه گرفت هر گمانی در اصول اعتقادی مورد نکوهش قرآن است، بلکه گمان برخاسته از هوا مورد مذمت قرآن است.

### نتیجه‌گیری

مطالعه واژگان موجود در میدان معنایی ظن برخی زوایای پنهان آن را آشکار می‌سازد:

- در فرهنگ مردم قبل از اسلام تبعیت از ظن ناپسند بود، اما تعریف آنان از ظن، اندیشه شخصی بدون آزمایش و غیر قابل اعتماد بود و مقابل آن را علم می‌دانستند که شناخت حاصل از راه آزمایش شخصی یا سنت قبیله‌ای بود و معتبر محسوب می‌شد. اسلام بر آن ناپسندی و این پسندیدگی مهر تأیید زد، اما تعریف ظن را تغییر داد و سطح گفتمانی جدیدی ایجاد کرد. بسیاری از آنچه در سابق، مردم جاهلی ظن نمی‌پنداشتند، مثل تبعیت از دین آبا و اجداد را داخل دایره ظن دانست. تعبیر علم در قرآن، معرفتی قابل اعتماد و متکی بر ادله نقلی یا عقلی است که بر پایه هوا و تمایلات قلبی نباشد و ظن در مقابل آن است. علم برخاسته از وحی الهی و مبتنی بر حق است و به هدایت می‌انجامد و ظن برخاسته از هوا است و ممکن است به ضلالت

۱. نک: طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۱۱ / ۲؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۱۴۲۰ / ۶؛ ۵۶ / ۶ و ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۳۴ / ۴.

۲. بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که آفرینش را آغاز کند و سپس آن را برگرداند؟» بگو: «خداست که آفرینش را آغاز می‌کند و باز آن را برمی‌گرداند. پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوید؟» بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق رهبری کند؟» بگو: «خداست که به سوی حق رهبری می‌کند!»؛ پس، آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آنکه هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟» (یونس، ۳۵)

معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۱۱۹

بینجامد. بنابراین سبب مذموم بودن ظن، مبدأ آن یعنی «هوا» است که باعث می‌شود انسان را به ضلالت بکشاند؛ اما اگر ظن بر پایه حق یعنی وحی الهی شکل بگیرد، مذموم نخواهد بود. آیاتی که ظن به لقای رب را می‌ستایند، از این‌روست که مبدأ آن حق است و آیاتی که ظن کافران را نکوهش می‌کنند، از این‌روست که مبدأ آن هوا است؛ به عبارت دیگر، ظن مستقل از دین مورد نکوهش قرآن است، مثل ظن به شریک خداوند، و ظن مبتنی بر وحی مورد ستایش است، مثل ظن به ملاقات رب یا روز حساب.

- علم مرتبه‌ای است که شخص از لحاظ عقلی به جزم می‌رسد و یقین مرتبه‌ای بالاتر است که شخص به رکون نفس و آرامش قلبی می‌رسد. تقابل میان دو مفهوم علم و ظن در مبدأ و منتها، غرابت شدیدی برای ورود یکی به عرصه دیگری ولو به صورت مجازی ایجاد می‌کند.

- از نظر اهل لغت، «گمان به آنچه بدان امید می‌رود» در مفهوم رجاء نهفته است. تحلیل لغوی «امید» نیز ما را به همین نکته می‌رساند. کاربرد قرآنی رجاء هم هم‌ساز با این برداشت است و می‌توان نتیجه گرفت که بین رجاء و گمان ملازمت وجود دارد.

- رجاء از واژگان جانشین ظن است. گمان به آخرت در فرهنگ قرآنی پسندیده است و عدم رجاء به لقای خداوند مورد نکوهش قرآن است و مصداق تکبر و سرکشی است. آنچه به تصریح قرآن در این آیات مورد ستایش است، نمی‌تواند مستلزم کفر یا اشکالی عقیدتی یا عقلی باشد؛ به تعبیر اهل منطق، «اقوا دلیل بر امکان شیء، وقوع آن است.» بنابراین حمل ظن در آیاتی از قبیل «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» برگمان، نمی‌تواند محذوری عقلی یا اعتقادی از نظر قرآن داشته باشد و انصراف از معنای حقیقی و حمل بر معنای مجازی یقین ضرورتی نخواهد داشت.

- شک در قرآن معنایی نزدیک به ظن دارد و شامل کلیه مراتب دانش تا قبل از رسیدن به علم و یقین می‌شود. در قرآن ظن و شک به جایی یکدیگر به کار می‌روند.

- همنشینی واژه اتباع و ظن نشان می‌دهد، حکم قرآن در ناپسندی ظن به ماهیت آن تعلق نگرفته، بلکه به پیروی از آن تعلق گرفته است. خداوند گمانی که از خاستگاه حقی برخاسته را می‌پذیرد و آنکه از مبدأ ناحقی برخاسته را نهی می‌کند.

واژگان فوق تأیید کننده معنای گمان و پندار برای ظن هستند، اما از برخی واژگان دایره معنایی ظن، ممکن است برای تأیید معنای یقین استفاده شود:

- اخراص یا تخمین و حدس معنایی نزدیک به ظن دارد و همواره در قرآن در یک سیاق آمده‌اند. ممکن است گفته شود ظن نیز چون اخراص سبب گمراهی است. اما کاربردهای قرآنی اخراص نشان می‌دهد مذموم بودن ظن یا اخراص دایر مدار احتمال گمراهی است. حدس و تخمین براساس داده‌های ذهنی و سنت‌های اجتماعی از گمراهی در امان نیست، اما براساس آنچه در وحی آمده به گمراهی نمی‌انجامد، بلکه در مسیر حق است.

- خشوع از واژگان همنشین ظن است و از نظر برخی مفسران تأییدکننده معنای یقین برای ظن است، اما ظن به قیامت نیز خشیت‌آفرین است؛ به‌علاوه «ظن به قیامت» می‌تواند همراه با ایمان و تسلیم قلبی باشد.

- همنشینی «ظن» و «عدم غنای از حق» ثابت نمی‌کند هر گمانی در اصول اعتقادی مورد نکوهش قرآن است، بلکه با توجه به سیاق آیات، گمان برخاسته از هوا مورد مذمت قرآن است.

بنابراین از مجموع کلمات مترادف، همنشین و متضاد ظن قرینه‌ای محکم بر حمل آن بر یقین یافت نشد، بلکه قرائن با معنای گمان همراهی می‌کنند. پس حمل آیات بر معنای اصلی ظن یعنی گمان مانعی ندارد و بلکه مطابق اصل اصالت قرآن است.

معناشناسی «ظن» در قرآن کریم: بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه «ظن» ... / ساجدی ۱۲۱

### کتاب‌نامه

- قرآن کریم.
- ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸)، خدا و انسان در قرآن، مترجم احمد آرام، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۹۴)، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ سوم، تهران: نشر فرزانه روز.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۷)، «معناشناسی فرهنگی-قوم‌شناختی»، مجموعه مقالات معناشناسی و مطالعات قرآنی، به کوشش فروغ پارسا، چاپ اول، تهران: انتشارات نگارستان اندیشه، ص ۶۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، لبنان: دار العلم - الدار الشامیه.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصرخسرو.

۱۲۲ دوفصلنامه پرتو وحی / دوره ۷ / شماره ۱ و ۲ / پیاپی ۱۲ و ۱۳ / صص ۹۳ - ۱۲۲

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۰)، «معناشناسی ظن در قرآن کریم»، فصلنامه کتاب قیم، سال اول، شماره اول، صص ۴۶-۴۸.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق)، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ ق)، ترجمه قرآن، چاپ اول، تهران: دارالقرآن کریم.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی‌تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ اول، قم: منشورات دار الرضی.
- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰)، معناشناسی شناختی قرآن، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مجتبیوی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۱)، ترجمه قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات حکمت.
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: مرکز کتاب لترجمة و النشر.